

375



کتاب آثار آسان درس رضوی

ابوعین جانی

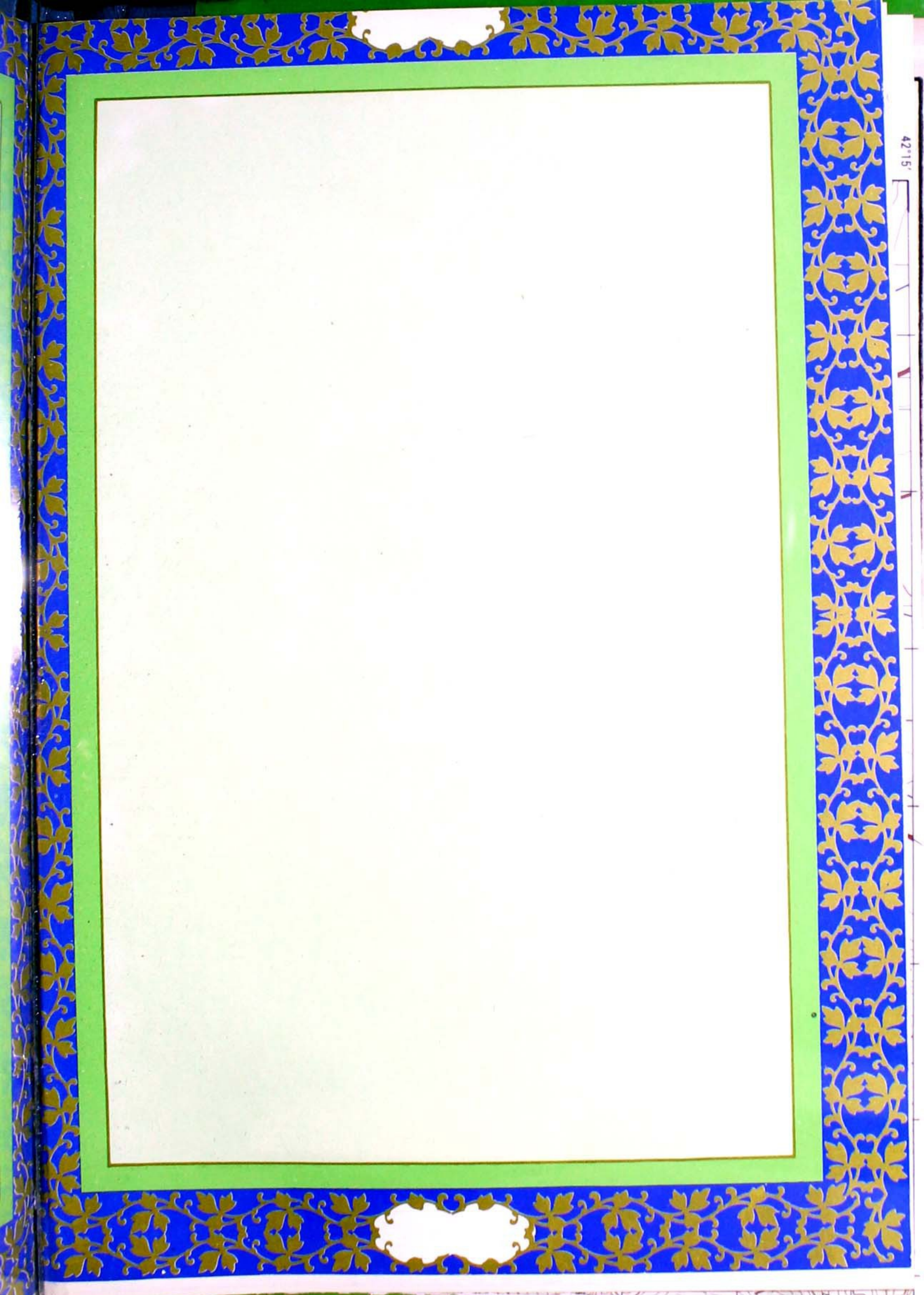
نور الدین عبدالرحمن

کاتب زعم مشہد
سلطانی کئی

مقدمہ وتصحیح واستخراج احادیث :

کاظم دیرشاہی

استاد دانشکده الهیات ومعارف اسلامی مشہد



3072

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



مہندسیہ پاب آسمان آسان مدرسہ رضوی



ایسین نامی پہل حدیثی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

در این عصر خسته که کشور ما بحد آلوده استقلال سیاسی نایل آمده، توجه به دانش علمی و
اجرای مفاخر گذشته نیز از اهم امور است. خوشحانه حرکت فزاینده پرشانی در
مراکز علمی و آموزشی مانیر آغاز شده، و این سگفت آور نیست که علی رغم مشکلاتی
که دشمنان با ایجاد می کنند، پیشرفتهای فزاینده نیز داشته باشیم که حکومت
بر اساس موازین اسلامی است، و چنانکه می دانیم کتاب و علم و علم در اسلام
پایگاهی وسیع و مقامی والا دارد.

آستان قدس رضوی از نخستین ماههای پیروزی انقلاب اسلامی بر طبق مرسوم
که مرجع جهان اسلام است، آستان عظمی امام خمینی در فرمان تولیت این آستان
مقدس داده اند، در تقویت و توسعه کتابخانه مرکزی آستان قدس اشتهای
بلوغ می نماید، چنانکه در دیگر خدمات فزاینده و انتشاراتی نیز کوشاست.

در میان آثار ارزشمند گرانقدری که در این کتابخانه موجود است بعضی
حسن خط و تدبیر و نگارگریهای بدیع را با کمال معنی توأمان بردار
برای اینکه چنین تفاسی با حفظ اصالت و سربنمایش در دسترس عموم
طالبان قرار گیرد، به صوابدیتی چند از اهل بصیرت و مایید تولیت
ارجمند آستان قدس رضوی، امور فرهنگی آستان قدس بر آن شد
تا این گونه کتب را به صورت افست چاپ کند.

امید است در راه نشر و گسترش معارف اسلامی و نهضت ایران گامی
شایسته باشد، و موجب شود سرمایه فرهنگی مردم همین مرز و بوم به خودشان
بازگردانیده شود. وَاللّٰهُ اَعْلَمُ بِعَلٰی كَلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ.

امور فرهنگی آستان قدس

بِسْمِ اللّٰهِ

در تحقیق مدف مذکور موسیٰ علیہ السلام اشارات آسان قدس معجز است

که نخستین شماره اشارات خود را به رساله چهل حدیث نبوی که توسط شاعر

گرامنایه جامی نظم در آمده - اختصاص دهد، و بدین ترتیب با سخنان

الهام بخش رسول اکرم صلی الله علیه و آله - اشاراتش را آغاز کند.

امید است اشارات این موسیٰ - چون طلوعه اش - انجامی مبارک

نیز داشته باشد.

توفیق اشارات ربیبیاتی از دیگرانمده ابا کفیتی پسندید از خداوند متعال

محمد سلیم .

اربعین جامی

نور الدین عبدالرحمن

کاتب

سلطان علی مہدی

مقدمہ و تصحیح و استخراج احادیث از:

کاظم مدد رسانی

استاد دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد



مؤسسہ چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

۱

مشخصات :

نام کتاب:	اربعین جامی
ناظم:	نورالدین عبدالرحمن جامی
کاتب:	سلطانعلی مشہدی
تصحیح و استخراج:	کاظم مدیر شانه چی
خط روی جلد:	مصطفی مہدیزادہ
حروفچینی و امور فنی:	مؤسسہ چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی
تیراژ:	۵۰۰۰ نسخہ
تاریخ انتشار:	بہمن ۱۳۶۳
لیتوگرافی:	بہزاد، ۴۵۴۸۸
چاپ:	چاپ مشہد ۹۰۹۹۰
ناشر:	مؤسسہ چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی - مشہد صندوق پستی ۱۷۳

حق چاپ محفوظ است

بسمه تعالی

حدیث یکی از دو مرجع اساسی احکام بلکه بیشتر علوم اسلامی است که از زمان پیغمبر (ص) مورد توجه مسلمین بوده است. و در فراگیری و اهتمام در حفظ آن سعی بلیغ مبذول می داشتند.

بدیهی است که تا پیغمبر خود در میان مردم بود و دسترسی به منبع فیض نبوی به سهولت میسر می شد، اهمیت حدیث چنان که باید مشهود نبود. ولی هنگامی که حضرتش رخت از این جهان بست، مردم حس کردند نیاز بیشتری به احادیث پیغمبر (ص) دارند.

از موجبات اهتمام امت بر حفظ و ثبت احادیث، دستور اکید رسول اکرم در حیات خود به ضبط وصیانت آن برای آیندگان است^۱ که دست طلبشان از دامان تشرف به محضر نبوی کوتاه و بهره آنان از مشکوة انوار نبوت، میراثی است که به روایت سلف صالح برای اخلاف باقی مانده.

از جمله دستوراتی که اصحاب را بر فراگیری و حفظ بیانات نبوی تحریر و ترغیب نموده حدیث اربعین است که بنا به مشهور از حضرتش صادر گردیده است.

۱- جمله ای از این احادیث را در کتاب شریف بحار الانوار ملاحظه می فرمایید. و ما بخشی از احادیث مزبور را از این کتاب و سایر منابع مورد اعتماد، در علم الحدیث (ص ۱۲۱-۱۱۸) نقل نموده ایم.

سیوطی در جامع صغیر از پیغمبر نقل می کند که فرمود: من حفظ علی امتی اربعین حدیثاً ممایحتاجون فی امر دینهم، بعثه الله عالماً فقیهاً^۲. همین مضمون را ثقة الاسلام کلینی در کافی و شیخ صدوق در خصال و والد شیخ بهائی در اول وصول الاخیار و شیخ بهائی در آغاز اربعین و شیخ حرّ عاملی به طرق متعدده در وسائل الشیعه از رسول اکرم و ائمه اطهار نقل نموده اند که از آن جمله بیان حضرت صادق است که: من حفظ من شیعتنا اربعین حدیثاً بعثه الله عزّ و جلّ یوم القیامة فقیهاً عالماً ولم یعذبه^۳. این حدیث موجب شده است که از دیر زمان، دانشمندان مسلمان کتبی به نام (اربعین، یا الاربعون حدیثاً، یا شرح اربعین) مرقوم دارند که بخشی از کتب حدیث فریقین را به خود اختصاص داده است. چنان که در فهرست کتب حدیث (مکتبه الظاهرية) دمشق از (۴۶) کتاب اربعین، و در فهرست مخطوطات (دارالکتب القومية) قاهره، جلد اول نام (۱۴) کتاب تحت عنوان (اربعین) و در جلد دوم نام (۱۵) کتاب تحت عنوان شرح اربعین، و در الذریعه نام (۷۶) اربعین را ملاحظه می فرمایید. و در عین حال موضوعات متنوعی ضمن اربعینیات، بررسی شده است: چون احکام فقهی، مسائل عرفانی و اخلاقی، فضائل و مناقب، اصول عقائد، و غیره. در این مقال، تاریخ تدوین کتب اربعین و سیر اجمالی اربعین نویسی در بین علمای شیعه و اهل سنت و موضوعات مختلفی که در این کتب بررسی شده است به اجمال از نظر خوانندگان می گذرد.

۲- کسی که چهل حدیث برای امت من در مسائل دینی که مورد احتیاج آنان است، حفظ کند خداوند روز قیامت وی را عالم و فقیه، محشور فرماید.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۸.

نخستین کتاب اربعین:

تا آنجا که این جانب سراغ دارد، اولین کتاب اربعین، در نیمه سده سوم توسط دو نفر از عالمان حدیث، همزمان نوشته شده است.

نخست اربعین ابوالحسن طوسی، محمد بن اسلم بن سالم کندی متوفای ۲۴۲ هجری است که از ثقات محدثین خراسان بوده است.^۴

دیگر اربعین ابوالحسن طوسی، مؤید بن محمد بن علی قرشی حافظ، که از ثقات و پیشوایان حدیث بوده و به سال ۲۴۲ هجری در گذشته است.^۵

در اعصار بعدی اربعین نویسی متداول گشته و اربعین هائی در موضوعات مختلف، به رشته تحریر کشیده شده. تا جایی که شمار اربعین ها در سده ششم از چهل کتاب می گذرد. چنان که در تألیفات احمد بن عبدوس بن کامل سلمی سراج بغدادی متوفای ۲۹۳ هـ. به نام کتاب الأربعین من مسانید المشایخ العشرين عن اصحاب الأربعین برخورد می کنیم که حاکی از آنست که اربعین نویسی در سده سوم متداول گردیده است.^۶

نیز در تألیفات عبدالله بن جعفر قشیری متوفای ۵۳۳ هـ. (کتاب الأربعین من مسانید المشایخ العشرين من الأصحاب الأربعین من العوالی) مؤید این معنی است.^۷

در تألیفات شیخ منتجب الدین بن بابویه قمی صاحب کتاب (الفهرست) که به سال ۵۸۵ هـ. در گذشته نیز کتاب اربعین با

۴- فهرست المخطوطات دارالکتب الظاهرية، بخش حدیث.

۵- همان مدرک.

۶- تاریخ التراث العربی، ج ۱ ص ۴۱۲.

۷- فهرست المخطوطات الظاهرية.

نام (الأربعون حديثاً من الأربعين عن الأربعين في فضائل امير المؤمنين) دیده می شود^۸ که حاکی از آنست که اربعین نویسی وارد مرحله فتنی گردیده و به حسب موضوعات خاصی چون فضائل علی (ع) آن هم از چهل تن از مشایخ حدیث، کتبی تدوین شده است که ما گونه های مختلف آن را تابدانجا که مناسب وضع این مقال است از نظر اهل نظر می گذرانیم. ولی پیش از برشمردن اربعینیات، مناسب است درباره حدیث اربعین که منشأ اربعین نویسی شده است از لحاظ صحت و طرق اسانید آن به اجمال گفته شود.

سند حدیث اربعین:

می دانیم که احادیث منقول از مصدر نبوت تا اوایل سده دوم هجرت در گنجینه صدور پا کدلان محفوظ و سینه بسینه به دیگران منتقل می گردید. رسم نقل شفاهی حدیث موجب شد که دانشمندان برای جلوگیری از دستبرد در میراث نبوی، احادیث را هنگام نقل برای دیگران، با اسناد و ذکر وسائط بازگو کنند. و حتی در این باره حدیثی به علی علیه السلام نسبت داده شده است که می فرمود: «اذا حَدَّثْتُمْ بِحَدِيثِ فاسندوه الى الَّذِي حَدَّثَكُمْ، فان كان حَقًّا فَلَهُ، وان كان كَذِبًا فعليه. یعنی حدیث را مستند به کسی که از او شنیده اید نقل کنید تا اگر راست است از او و اگر دروغ است گناهِش براو باشد». و حضرت صادق (که در آغاز همین دوره می زیسته) به شاگردان خویش توصیه می فرمود که سلسله روایات را ذکر کنند. و حتی از آن جناب نقل شده که در معنی کذب مفسر می فرمود: هوان يحدّثك الرجل

۸ الذريعة الى تصانيف الشيعة. فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی.

بالحدیث فترکہ و ترویہ عن غیرالذی حدتک بہ^۹.

حال این وسائط کہ سلسلہ سند یا زنجیرہ ناقلین حدیث نامیدہ می شوند، در وثاقت و صحت نقل، مختلف است. و چہ بسا کسانی کہ بہ عللی احادیثی از قول پیغمبر و امامان جعل کرده اند و بہ این لحاظ ہرچہ بر زمان، می گذشت، مشکل شناسائی و اطلاع بر حال روات و ناقلان حدیث، بیشتر می گردید.

لذا از همان آغاز تدوین حدیث، علم معرفۃ الرجال (کہ در آن از احوال راویان، از لحاظ مراتب و ثاقت و ضبط، بحث می شود) بہ رشتہ تحریر درآمد. چنان کہ بخاری مؤلف اولین کتاب از صحاح ششگانه حدیث اہل سنت، کتاب دیگری بہ نام تاریخ الرواۃ (کہ مشہور بہ تاریخ بخاری است) تألیف نمود^{۱۰}. و در شیعہ ہمزمان با تألیف کتب اربعہ حدیث، کتب اربعہ رجال و رجال غضائری و از آن پیش رجال ابوالعباس بن سعد و رجال احمد بن نوح سیرافی و رجال عقیقی علوی و رجال برقی و رجال ابن فضال و محمد بن حسن محاربی تدوین گردید^{۱۱}.

و این از ویژگیہای مسلمین است کہ آنچه را از پیشوایانشان نقل می کنند، با وسائلی است کہ حالشان معلوم و وثوق بہ اکثر آنان محرز است. اکنون می پردازیم بہ سند حدیث مزبور:

پارہ ای از احادیث بواسطہ تداول در السنہ کہ ناشی از کثرت نقل

۹- اصول کافی، ج ۱، ص ۵۲ چاپ آخوندی. مجمع البحرین، ضمن لغت فرع (یعنی کذب مفرع آنست کہ حدیث را از کسی بشنوی ولی از دیگری کہ ناقل حدیث نیست، روایت نمائی).

۱۰- تاریخ بخاری ضمن (۸) جلد در ہندوستان چاپ شدہ است.

۱۱- کتب اربعہ رجال شیعہ عبارت اند از: رجال کشی، معاصر کلینی (کہ شیخ طوسی آنرا اختصار نموده) و رجال نجاشی و رجال و فہرست شیخ طوسی. کلینی خود نیز کتابی در رجال حدیث مرقوم داشته است.

درمجامع حدیث یا تعدد و تکثر سند آنست، شهرت یافته. اعم از اینکه سلسله سند تا به معصوم (ع) متصل باشد و افراد سلسله، رجالی موثق باشند یا احیاناً زنجیره سند تا به معصوم منقطع یا مرسل و یا بعضی افراد، از وثاقت لازم برخوردار نباشند.

حدیث اربعین (من حفظ علی امتی اربعین حدیثاً بُعثَ یومَ القیامة فقیهاً)^{۱۲} در مدارک اهل سنت نیز چنین است. یعنی گرچه حدیث مشهور و سلسله سند آن مذکور است، بلکه با اسناد متعددی نقل شده است ولی تمامی سندها خالی از قدح و ضعف، نیست.

از طریق شیعه نیز به اسنادی نقل شده است که خوشبختانه بعضی اسناد، قوی است.

بنابر این کثرت نقل طرق حدیث در فریقین، می تواند جبران ضعف سند نماید. نخست بواسطه قوت نسبی بعضی از اسناد آن. و دیگر بواسطه شهرت روایی حدیث.

گونه های حدیث اربعین در منابع فریقین:

چنانکه اشاره شد حدیث مزبور به انحاء مختلفی نقل شده است که گرچه اصل مضمون در تمامی انحاء منقول یکسان است، ولی در نقل بعضی روایات، اضافاتی است که مناسب است گونه های مختلف آنرا از کتاب (الفتح الکبیر فی ضم الزیادة الی الجامع الصغیر)^{۱۳} و کتاب کشف

۱۲- هر کس برای امت من چهل حدیث حفظ کند روز قیامت، فقیه محشور خواهد شد.

۱۳- این کتاب همان جامع صغیر سیوطی است به انضمام اضافاتی که مؤلف پس از تدوین جامع، به آن دست یافته است و در کتابی علیحده آورده است. سپس شیخ یوسف نبهانی اضافات مزبور را به اصل جامع، به همان ترتیب، اضافه نموده. فتح الکبیر ضمن سه مجلد در قاهره انتشار یافته.

الخفاء علامه عجلونی، نقل کنیم:

الف: من حفظ علی امتی اربعین حدیثاً من السنّة، كنت له شفیعاً وشهیداً یوم القيامة^{۱۴}.

ب: من حفظ علی امتی اربعین حدیثاً من سنتی ادخلته یوم القيامة فی شفاعتی^{۱۵}.

ج: من حفظ علی امتی اربعین حدیثاً، بُعث یوم القيامة فقیهاً^{۱۶}.

علامه عجلونی پس از نقل طرق حدیث، می نویسد: حافظ دارقطنی فرموده کلیه طرق واسناد این حدیث، ضعیف است. آنگاه از قول حافظ ابن حجر آورده: که من طریقه های این حدیث را در جزئی جمع آوری نمودم ولی هیچ یک از طرق مزبور خالی از ضعف و علت نیست.

بیهقی نیز فرموده: متن این حدیث مشهور است ولی اسناد صحیحی ندارد.

ابن عساکر هم معتقد است که اسناد حدیث اربعین محل سخن است.

ابن حجر پس از نقل اقوال فوق گوید: حافظان حدیث متفق اند که این

حدیث گرچه به طرق متعددی نقل شده است ولی خالی از ضعف نیست^{۱۷}.

حدیث اربعین در کتب حدیث شیعه نیز به طرق متعددی نقل شده

است که بعضی به حضرت رسالت منتهی می شود و برخی به ائمه اهل

بیت. در وسائل الشیعه اغلب این طرق، و گونه های مختلف متن حدیث بیان

۱۴- ابن عدی در الکامل بنقل از ابن عباس (الفتح الکبیر. کشف الخفاء). و صدوق در خصال از ابن عباس (خصال ص ۵۴۲) چاپ غفاری.

۱۵- ابن نجار از ابی سعید خدری (الفتح الکبیر. کشف الخفاء).

۱۶- ابونعیم اصفهانی از ابن عباس و از عبدالله بن مسعود. و ابن جوزی در العلل المتناهیه از علی بن

ابطالب (ع) و از انس بن مالک و از ابی هریره (کشف الخفاء).

۱۷- کشف الخفاء.

شده است^{۱۸}.

ومابه نقل سه روایت که مزیدی بر روایات اهل سنت دارد بسنده می کنیم:

۱- عن جعفر بن محمد عن ابيه ان رسول الله اوصى الى امير المؤمنين علي بن ابي طالب (ع) وكان فيما اوصى به ان قال له: يا علي من حفظ علي امتي اربعين حديثاً يطلب بذلك وجه الله والدار الآخرة، حشره الله يوم القيامة مع النبيين والصديقين والشهداء والصالحين وحسن اولئك رفيقاً. (خصال ص ۵۴۲)

۲- عن الرضا عن آبائه عن النبي (ص) قال: من حفظ علي امتي اربعين حديثاً ينتفعون بها بعثه الله يوم القيامة فقيهاً عالماً^{۱۹}.

۳- عن حنان بن سدير، قال سمعت ابا عبدالله يقول: من حفظ عتاً اربعين حديثاً من احاديثنا في الحلال والحرام بعثه الله يوم القيامة فقيهاً عالماً ولم يعذب به. (خصال ص ۵۴۲)

چنان که ملاحظه می شود طبق روایت اخیر، حفظ چهل حدیث، اختصاص به حدیث نبوی ندارد، و امام (ع) نظر اصلی را متوجه نوع محفوظ فرموده است. یعنی آنچه را راوی برای امت حفاظت و ضبط می نماید، بطور کلی از اموری باشد که بدان نفع برسد و بیشتر عنایت به مسائل حلال و حرام است که بدین وسیله امت به وظائف شرعی خویش آشنا شوند و همین ویژگی است که راوی را در شمار فقهاء مبعوث می سازد. زیرا فقیه نیز

۱۸- وسائل الشیعه، چاپ حروفی، ج ۱۸ صفحات: ۶۵ و ۶۶ و ۶۷ و ۶۸ و ۷۰.

۱۹- وسائل الشیعه. این حدیث در خصال از حضرت موسی بن جعفر نقل شده ولی بجای (بنتفعون بها)

مما یحتاجون من امر دینهم، ذکر شده.

متکفل حفظ و ابلاغ حلال و حرام به افراد امت است^{۲۰}.

مباحث اربعینات:

پس از رواج اربعین نویسی که در آغاز مقصور بر جمع چهل حدیث و شرح الفاظ غریب آن می گردید، کم کم کتب اربعین بصورت موضوعی (یعنی جمع احادیث وارده تحت یک عنوان) درآمد. که از آن جمله است اربعین ابی عبدالرحمن سلمی در اخلاق صوفیه^{۲۱}. و اربعین علی بن فضل، در فضائل دعا و داعی^{۲۲}. و اربعین ذهبی (فی صفات رب العالمین). و اربعین های ابن عساکر و ابوالفرج مقرئ و چند تن دیگر در جهاد^{۲۳}. و اربعین هائی که نظر مؤلف در آن، جمع روایات عالی السند یا مشایخ حدیث خویش در شهرها یا از طبقه خاصی بوده است.

چون اربعین رضی الدین طبری (الاربعین التساعیة الصحاح العوالی) (نسخه ش ۱۰۳ ظاهریه).

و اربعین رهاوی که چهل حدیث از راویان چهل شهر را جمع کرده (نسخه ش ۱۰۴۰ ظاهریه).

در این میان، اربعینهای فضائل و مناقب رقم چشم گیری دارد. بویژه در

۲۰- جمله (مما ینتفعون) یا (من امر دینهم) که در بعض روایات اربعین آمده است، دائره نقل حدیث را در زهدیات و فضائل و مناقب (که بعض اصحاب در آن به تألیف اربعین پرداخته اند) توسع بخشیده است. بخصوص که اگر نقل فضائل و مناقب موجب هدایت بامر دین و مذهب گردد.

۲۱- نسخه ای از آن در دارالکتب الظاهریه، دمشق به شماره ۶۲ حدیث موجود است.

۲۲- نسخه ش ۱۸۹، ظاهریه.

۲۳- که نسخی از آنها را در دارالکتب الظاهریه می توان دید. و شاید وجود اربعینات جهادیه در شام، به لحاظ درگیری مسلمانان با مسیحیان مهاجم در جنگهای صلیبی بوده است که کشور شام بزرگ میدان این نبردها به حساب می آمده.

بین محدثین شیعه.

چون اربعین شیخ ابوسعید، محمد بن احمد ملقب به مفید^{۲۴} جد شیخ ابوالفتوح رازی (صاحب تفسیر) که در فضائل امیرالمؤمنین جمع آورده^{۲۵} و اربعین شیخ منتجب الدین که از چهل شیخ، چهل حدیث در فضائل علی بن ابیطالب گرد آورده و نسخه ای از آن در کتابخانه مبارکه آستان قدس رضوی موجود است.

و اربعین شیخ سلیمان ماحوزی در فضائل علی (ع) و امامت که از طرق اهل سنت چهل حدیث را جمع و شرح نموده است. و اربعین محمد شفیع استرآبادی در فضائل ائمه از طرق اهل سنت و غیر اینها که در کتاب شریف (الذریعه) معرفی شده است.

اربعینهای منظوم:

یکی از گونه های هنر شاعری، بکارگیری شعر و ادب فارسی در گزارش قرآن و حدیث است که از دیر زمان شاعرانی چون ناصر خسرو در قصائد غزای خویش و سنائی در حدیقه الحقیقه و عطار در مطاوی اشعارش و مولوی در مثنوی معنوی و به پیروی آنان شاعرانی دیگر بدین کار دست زده اند. در فضائل و مناقب اصحاب، نیز که از حضرت رسالت به صحت پیوسته، چه در تازی و چه در ادب پارسی، کاروان شعر و ادب گامهای بلندی برداشته است که نمونه های درخشانی را در شعر حسان بن ثابت و سید اسماعیل حمیری از پیشینیان، و سید حلاوی و آرزوی وصفی حلی از

۲۴- وی غیر از شیخ مفید، استاد سید مرتضی و رضی است.

۲۵- جای نسخه های آن را در الذریعه، ملاحظه فرمائید.

متأخران (درلسان تازی) و فرازهائی را در شعر ابن حسام وقاآنی
وملك الشعراى صبورى و مجمر... (در زبان فارسی) می بینیم.

گونه ای از این هنر، ترجمه کلمات قصار رسول اکرم و علی مرتضی
است که به صورت صد کلمه یا چهل حدیث به نظم شیوای پارسی در آمده
که از آن جمله است اربعین جامی که چهل حدیث کوتاه از کلمات
در رباعیغمبر را ضمن چهل دوبیتی به نظم آورده. وهم او صد کلمه از
لثالی منثور سخنان مولی را به سلک نظم در آورده است^{۲۶}.

دیگر از کسانی که موفق به نظم احادیث قصار شده اند میر حسین
هروی است که چهل کلمه از سخنان مولای متقیان را گزین نموده و هر
کلمه ای را به دو بیت منظوم ساخته است^{۲۷}.

محتمل است این میر حسین، همان امیر حسین حسینی هروی که به
میر حسینی یا حسینی سادات، معروف است و از پیروان بهاء الدین مولتانی
و شهاب الدین سهروردی است، بوده باشد، مشارالیه بیشتر ایام خود را
در هرات می گذرانده و به ارشاد مردم می پرداخت و محله ای در هرات هنوز
باقی است که به نام میرحسینی سادات معروف است.

و اگر ناظم همین امیر حسین باشد بی گمان جامی در نظم اربعین
خویش از او پیروی نموده است.

ولی احتمال دارد که وی میر حسین بن یوسف معروف به سیف الدین

۲۶- صد کلمه جامی توسط علی اصغرافصفهانی ضمن مجموعه (نصاب و چهل حدیث و صد کلمه) به سال
۱۳۰۸ هـ. در تهران انتشار یافته است (الذریعة، ج ۱۵ ص ۳۰).

۲۷ و ۲۸- نسخه ای از این چهل حدیث در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است که به خط شاه محمود
نیشابوری در ۹۵۲ کتابت شده است. نسخه ای نیز به خط همین شاه محمود در تملک شادروان مهدی بیانی بوده
است (رجوع فرمایید به فهرست نسخه های خطی فارسی احمد منزوی).



هروی باشد که در معرفی آثارش به نظم چهل حدیث منظوم از مولی (ع) برخوردار می کنیم^{۲۸}.

دیگر از کسانی که به نظم حدیث دست زده اند عادل بن علی (مرتب و منقح کننده ترجمان القرآن میر سید شریف است) که سه اربعین به نظم آورده است و محتمل است اربعین منظوم مطبوع که با این کلمه (قال النبی انما الأعمال بالنیات) شروع می شود از او باشد. نسخه ای از این چهل حدیث در کتابخانه مرکزی دانشگاه است که تاریخهای ۹۰۹-۹۱۲ هـ. دارد و حدیث یاد شده را با این بیت ترجمه کرده است:

اصل اعمال نیت نیکو است نیت نیک دار، ای مهتر^{۲۹}

اربعین یا (چهل حدیث) دیگری نیز در دانشگاه تهران است که چون تاریخ کتابت نسخه را ۹۰۹-۹۱۲ نوشته اند و با نسخه پیشین که از عادل بن علی یاد شد یکزمان کتابت شده است بظن قوی، اربعین دوم عادل بن علی باشد که به این حدیث نبوی (ان الله خلق آدم علی صورته) و به این بیت (بدرستی که خلق کرد خدا = آدمی را به صورت زیبا) ترجمه شده است، آغاز می گردد.

اربعین سوم عادل بن علی نیز به همان قرینه (یعنی تاریخ سال ۹۰۹-۹۱۲) که یاد شد در کتابخانه مرکزی دانشگاه موجود است که به حدیث نبوی (انا مدینة العلم و علی بابها) و به ترجمه: (گفت پیغمبر خدا که منم شهر علم و علی مراورا در) شروع می شود^{۳۰}.

۲۹- فهرست نسخه های خطی فارسی احمد منزوی ج ۲/۲ ص ۱۵۹۷. در همین کتاب، نسخه های دیگر این چهل حدیث را ملاحظه فرمایید.

۳۰- فهرست نسخه های خطی فارسی.

دیگر از اربعینهای منظوم: اربعین ابن همام شیرازی است (نسخه دانشگاه تهران به خط نستعلیق مورخ ۹۰۳ به نقل منزوی در فهرست نسخه های فارسی).

دیگر چهل حدیث منظومی است از احادیث نبوی که به این حدیث آغاز می شود: مَنْ حَفِظَ مِنْ اُمَّتِي اَرْبَعِينَ حَدِيثًا... (هر که او چهل حدیث یاد گرفت. از احادیث مهتر عالم)^{۳۱}.

از کسانی که صد کلمه یعنی صد حدیث کوتاه را به نظم آورده اند یکی همان عادل بن علی است که گفتیم چهار اربعین را نیز به نظم آورده. نسخه ای از صد کلمه عادل در کتابخانه ملی ملک (۲۳۹۸/۱۶) مورخ ۹۰۹-۹۱۲ هـ. موجود است^{۳۲}.

نیز مولانا عبدالباقی خطاط است که او نیز صد کلمه از سخنان کوتاه مولا (ع) را به نظم در آورده است. و نسخه دستخط شاعر که در اوج جمال و زیبایی است در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.

نسخ اربعین جامی:

اربعین جامی به واسطه شهرت و مقبولیت مؤلف^{۳۳} و نیز به واسطه همزمانی با پادشاه و وزیری هنر پرور چون سلطان حسین بایقرا و امیر علیشیر نوائی که هر دو از ارادتمندان جامی بوده اند و نیز بواسطه اقامتش در هرات

۳۱- فهرست نسخه های خطی فارسی احمد منزوی ج ۴ نقل از فهرست موزه بریتانیا، تألیف ریو، ج ۲، ص ۸۰۷.

۳۲- فهرست نسخه های خطی فارسی منزوی.

۳۳- که حتی سلطان محمد فاتح پادشاه عظیم عثمانی و جهانشاه قره قوینلو درخواست نزول وی را به دیار خویش داشته اند (رجوع کنید به تاریخ ادبیات دکتر صفا) و سلطان بایزید فرزند سلطان سلیم قانونی نسخه ای از چهل حدیث را به خط زیبای خویش نوشته است (رجوع کنید به فهرست نسخه های خطی منزوی).

که در آن زمان مرکز تجمع هنرمندان و مخصوصاً خوش نویسان گردیده بود، در زمان مؤلف به پیرایه خط زیبای هنرمندان جمال بقا یافته است که آقای احمد منزوی سی و سه نسخه از آن را در فهرست نسخه های خطی فارسی (ص ۱۵۹۶) معرفی کرده است که از آن جمله:

نسخه ای است به خط زیبای بایزید فرزند سلطان سلیم، پادشاه عثمانی.
و نسخه ای است به خط نستعلیق بسیار عالی شاه محمود نیشابوری و نسخه ای به خط میر علی هروی (که هر دو در کتابخانه سلطنتی تهران موجود است).

و نسخه ای به خط عبدالرشید دیلمی (در کتابخانه سلطنتی).
و بالأخره نسخه ای (که از نظر می گذرانید) به خط سلطانعلی مشهدی در آستان قدس رضوی.

جامی:

نورالدین عبدالرحمن جامی به سال ۸۱۷ هجری در خرگرد جام در خراسان تولد یافت. خود گوید:

بسال هشتصد و هفده ز هجرت نبوی

بدین حضيض هوان سست کرده ام پروبال

وهم او در باره زادگاه خویش گوید:

جرعه جام شیخ الاسلامی است

مولدم جام ورشحه قلمم

بدو معنی تخلصم جامی است

لاجرم در جریده اشعار

نسبش به محمد بن حسن شیبانی که از اصحاب ابوحنیفه و از

مجتهدین بزرگ حنفی است می رسد.

پدرش نظام الدین احمد بن شمس الدین محمد دشتی است. و دشت محله ای در اصفهان است که معلوم نیست به چه سبب به جام انتقال یافته است. جامی مقدمات را در جام نزد پدر آموخت و بعد به همراهی وی به هرات و سپس به سمرقند رفت و در آن دیار که مرکز علوم اسلامی و ادبیات فارسی بود به کسب علم و ادب پرداخت. و در ریاضت به طریقه نقشبندیه که مؤسس آن بهاء الدین نقشبند بود به سیر و سلوک پرداخت و رشته ارادت جانشین بهاء الدین، یعنی خواجه عبدالله احرار را بر گردن نهاد. ضمناً به خدمت سعد الدین کاشغری مشرف شد و تا وی زنده بود در سلک مریدان وی منتظم بود و پس از استاد خلافت این طریقت بدو تعلق گرفت^{۳۴}.

جامی در شصت سالگی (به سال ۸۷۷) به قصد زیارت خانه خدا و حج بیت الله الحرام راهی سفر شد و پس از انجام فریضه از راه دمشق به بغداد و از آنجا به تبریز وارد شد و در سال ۸۷۸ به هرات مراجعت نمود.

جامی قسمتی از زمان شاهرخ و تمام دوره ابوالقاسم بابر و دوران ابوسعید گورکان را درک کرده و با سلطان یعقوب آق قویونلو (-۸۹۶ هـ) و جهانشاه قره قویونلو (-۸۷۲ هـ) و سلطان محمد فاتح (-۸۸۵ هـ) معاصر بوده است و سلطان محمد را در قصائد خویش مدح گفته^{۳۵}.

ولی به روایت دولتشاه که معاصر جامی بوده است، در اواخر عمر پیشه شاعری را ترک کرده و از آن ببعد جز بندرت شعری نسرود. و دل به تحقیق مسائل دینی سپرد. خود گوید:

جامی لب گفتگو فرو بندد گر
دل شیفته خیال میسندد گر

۳۴- ریحانة الادب، تاریخ ادبیات دکتر صفا، ریاض العارفین.

۳۵- دائرة المعارف مصاحب.

در شعر مده عمر گرانمایه بیاد انگار سیه شد ورقی چند دگر
جامی عمر دراز خود را (حدود هشتاد سال) بیشتر در هرات گذرانید
وعلاوه بر افادات شفاهی وارشاد مریدان موفق به تألیف کتب ارزشمندی
در علوم مختلف گردید که از آن جمله است:

۱- نفحات الأنس که اصل آن طبقات الصوفیة محمد بن حسین سلمی
نیشابوری (-۴۱۲ هـ) بوده است که خواجه عبدالله انصاری آنرا از عربی به
زبان هروی تقریر و شرح نموده است و سپس جامی به خواهش امیرعلیشیر
نوائی تحریر خواجه را به فارسی برگردانیده. نفحات، شرح حال ۶۱۴ تن از
عرفا و مشایخ است.

دیگر از تألیفات جامی است: لوائح در معرفة الله بمذاق عرفا^{۳۶}،
و لوامع در شرح قصیده خمیره ابن فارض مصری در عرفان و شواهد النبوه
در باره حضرت رسالت (ص) و اشعة اللمعات (در شرح لمعات عراقی)
و بهارستان (که به تقلید از گلستان در حکایات ادبی و عرفانی است) و شرح
کافیه ابن حاجب در نحو (که از کتب درسی حوزه های علمیه بوده است).
جامی در شعر مقام والائی داشته چنان که در غزل وی را مؤسس
سبک هندی می شمارند^{۳۷} و قصائدش نیز در انسجام و متانت در شمار بهترین
قصائد شعرای پارسی زبان است. در مثنوی نیز در رده نخست مثنوی-
سرایان محسوب می شود و هفت اورنگ وی^{۳۸} شاهد این مدعا است.

۳۶- این رساله ای است سنی به لوائح در بیان معارف و معانی که بر الواح اسرار و ارواح ارباب عرفان... لایح
گشته. این کتاب توسط استاد یان ریچارد با برگردان آن بزبان فرانسوی در پاریس چاپ شده است.

۳۷- تاریخ ادبیات صفا.

۳۸- شامل هفت مثنوی است به نام: سلسله الذهب، سلامان و ابسال، تحفة الاحرار، سبحة الابرار، یوسف و
زلیخا، لیلی و مجنون، خرد نامه اسکندری.

چنان کہ پس از وی شاعرانی چون زلالی خوانساری و درویش اشرف
به اقتباس از وی ہفت اورنگ ساختہ اند۔

جامی سرانجام بہ سال ۸۹۸ ہجری بہ هنگام اذان صبح در ہرات
بدرود حیات گفت۔ و سلطان حسین بایقرا و امیر علی شیرنوائی و مردم ہرات
از وضع و شریف جنازہ وی را از منزلش تشییع و بہ عید گاہ ہرات بردہ،
پیش روی مرادش سعدالدین کاشغری دفن نمودند^{۳۹}۔ و بدین گونہ دفتر
حیات بزرگترین استاد سخن بعد از عہد حافظ و سعدی^{۴۰} در ہم نوردید۔
در بارہ تاریخ وفات وی گفتہ اند: و من دخلہ کان آمنا۔

سلطانعلی مشہدی^{۴۱}

نظام الدین سلطانعلی مشہدی بہ سال ۸۴۱ھ۔ در مشہد طوس چشم بہ
جہان گشود۔ و در کودکی پدر را از دست داد و تحت عنایت مادری پارسا در
زاد گاہ خود بہ کسب کمال پرداخت۔ از اوان طفولیت بہ خط نویسی علاقہ
داشت و در این مہم از ہیچ گونہ کوشش دریغ نوزید۔ چنان کہ در خوش -
نویسی شہرت یافت۔

بہ سال ۸۶۵ھ۔ سلطان ابوسعید گورگانی اورا بہ ہرات دعوت نمود۔
وی در آن دیار ضمن ملازمت سلطان، بہ تکمیل خط پرداخت چنان کہ وی
را علاوہ بر لقب تشریفی کاتب السلطان بہ القاب: قبلة الکتاب و زبدۃ الکتاب
و سلطان الخطاطین ستودہ اند۔

۳۹۔ مقصد الاقبال، تصحیح استاد مایل ہروی (ص ۱۰۱)۔

۴۰۔ تاریخ ادبیات صفا۔

۴۱۔ کاتب نسخہ حاضر۔

سلطانعلی پس از درگذشت ابوسعید، در دربار سلطان حسین میرزای بایقرا به کتابت مشغول شد و تا پایان روزگار بایقرا یعنی حدود چهل سال ملازم و کاتب آن امیر و مورد توجه وی بود.

قبلة الکتاب پس از مرگ بایقرا روی دل به قبله هفتم و ذیل عنایت امام هشتم آورد و در مشهد مقدس رخت اقامت افکند و بقیت عمر را در این بلده طیبه بسر برد تا به سن ۸۵ سالگی به سال ۹۲۶ هـ. درگذشت و در جوار مرقد امام (ع) دفن شد.

سلطانعلی در خط نستعلیق شاگرد اظهر و به قولی شاگرد حافظ محمد که از شاگردان اظهر است، بوده. و معروفترین شاگردان او عبارتاند از سلطان محمدنور و سلطان محمدخندان و سلطان محمدابریشمی و علاءالدین محمد^{۴۲}. سلطانعلی ضمن اقامت در هرات و در ارتباط با سلطان حسین بایقرا با جامی که از مقربان درگاه سلطنت بود آشنا شد و به وی ارادت پیدا کرد. و همین علاقه موجب گردید که بسیاری از آثار منظوم و منثور جامی را به زیور خط خویش آراست^{۴۳} که از آن جمله چهل حدیث جامی است که نسخه‌های متعددی از آن به خط سلطانعلی، زینت بخش کتابخانه‌هاست^{۴۴} که از آنها نسخه کتابخانه مبارکه آستان قدس رضوی یعنی نسخه مشاهده است که اداره انتشارات آستان قدس بر آن شد که با چاپ آن ضمن نشر نمونه‌ای از احادیث نبویّه گوشه‌ای از آثار اساتید هنر اسلامی را در اختیار شیفتگان هنر قرار دهد.

۴۲- فرهنگ معین.

۴۳- احوال و آثار خوش نویسان مهدی بیانی.

۴۴- رجوع کنید به فهرست نسخه‌های خطی فارسی، منزوی، ج ۴ ص ۲۷۵۷.

اربعین جامی

صحیح ترین حدیثی که راویان مجالس دین و مُحدّثان مدارس یقین
املا کنند، حمد دانائست که کلمات تامّة جامعہ بزبان معجز بیان حبیب
خود گذرانیده و آنرا تالی کلام کامل و خطاب شامل خود گردانیده و بنقل
رُواة ثقه بعد ثقه، بگوش محرومان از سعادت صحبت^۱ رسانیده و بنور علم^۲،
و عمل بموجب علم از ظلمات ضلالتشان رهانیده. صلی اللہ علیہ و علی آلہ
و اصحابہ نقلہ علومہ و حفظہ آدابہ.

این چهل کلمه است از آن کلمات که سهولت فهم^۳ را بنظم فارسی
ترجمہ کرده می آید. امیدواری^۴ که ناظم مترجم، امروز در شرط مَنْ حَفِظَ
عَلَى أُمَّتِي أَرْبَعِينَ حَدِيثًا يَنْتَفِعُونَ بِهِ، داخل شود^۵ و فردا بسعادت جزاء: بَعَثَهُ
اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَقِيهًا عَالِمًا، واصل. وَمِنَ اللَّهِ يَكُونُ الْكَوْنُ وَالْعِصْمَةُ وَالْعَوْنُ
والتوفيق^۶.

۱- صحبت وی (خ د)

۲- علم به آن (خ د)

۳- و حفظ (خ د)

۴- امیدواری آنرا (خ د)

۵- نسخه ما کلمه (شود) را ندارد

۶- یكون العِصْمَةُ وَالْعَوْنُ وَالتَّوْفِيقُ (خ د)

۱- لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّىٰ يُحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ

هر کسی را لقب مکن مؤمن
تا نخواهد برادر خود را
گرچه از سعی جان و تن کاهد
آنچه از بهر خویشتن خواهد

۲- مَنْ أَعْطَىٰ لِلَّهِ وَمَنَعَ لِلَّهِ وَأَحَبَّ لِلَّهِ وَأَبْغَضَ لِلَّهِ فَقَدْ اسْتَكْمَلَ إِيْمَانَهُ

هر که در حب و بغض و منع و عطا
نقد ایمان خویش را یابد
نبودش دل بغیر حق مایل
بر محک قبول حق کامل

۳- الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَيَدِهِ

مسلم آنکس بود بقول رسول
که بهر جا بود مسلمانی
گرچه عامی بود و گر عالم
باشد از قول و فعل او سالم

۴- خَصْلَتَانِ لَا يَجْتَمِعَانِ فِي مُؤْمِنٍ الْبُخْلُ وَسَوْءُ الْخُلُقِ

بذل کن مال و خوی نیکوورز
زانکه در هیچ مؤمنی باهم
راه ایمان اگر همی پویی
نشود جمع بخل و بد خوئی

۵- يَشِيبُ ابْنُ آدَمَ وَيَشُوبُ فِيهِ خَصْلَتَانِ الْحِرْصُ وَطُولُ الْأَمَلِ

آدمی را ز پیری افزاید
لیک در وی جوان شود دو صفت
هر زمان در بنای عمر خلل
حرص بر جمع مال و طول امل

۱- فی شهاب الاخبار عن انس

۲- الفتح الكبير عن ابی امامه

۳- فی الشهاب عن عبدالله بن عمر

۴- الترمذی والطیالسی عن ابی سعید الخدری (کشف الخفاء)

۵- الترمذی و ابوداود عن ابی هريره (کشف الخفاء) يشب من الشباب

86180

86180

۶- مَنْ لَمْ يَشْكُرِ النَّاسَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ

بتو نعمت ز دست هر که رسد
کی بشکر خدا قیام کند
نه بمیدان شکر کوبی پای
تارک شکر بندگان خدای

۷- مَنْ لَا يَرْحِمُ النَّاسَ لَا يَرْحَمُهُ اللَّهُ

رحم کن رحم، زانکه بر رخ تو
تا تو بر دیگران نبخشایی
در رحمت جز از تو نگشاید
ارحم الراحمین نبخشاید

۸- الدُّنْيَا مَلْعُونَةٌ وَمَلْعُوكٌ مَا فِيهَا إِلَّا ذِكْرُ اللَّهِ تَعَالَى

هدف لعنت خدای آمد
غیر ذکر خدا که صاحب ذکر
دُنْیای و هر چه هست در دنیای
در دو عالم بر حمتست اولی

۹- لُعِنَ عَبْدُ الدِّينَارِ لُعِنَ عَبْدُ الدَّرْهِمِ

گرچه هست آفتاب رحمت حق
باد از آن دور بنده دینار
شامل ذره ذره عالم
باد از آن دور بنده درهم

۱۰- دُمٌ عَلَى الطَّهَارَةِ يُوسَّعُ عَلَيْكَ الرِّزْقُ

ای کز آلودگی تو شب و روز
بی طهارت مباش تا برتو
فاقه و فقر تو زیاده شود
روزی تنگ تو گشاده شود

۶- فی الشهاب عن ابی هريرة بلفظ: لا يشكر الله من لا يشكر الناس.

۷- الترمذی و ابوداود عن ابی هريرة (كشف الخفاء)

۸- الترمذی عن ابی هريرة (كشف الخفاء)

۹- الترمذی عن ابی هريرة (الفتح الكبير)

۱۰- بحار الأنوار ج ۷۶، ص ۳۱۹.

۱۱- لَا يُلْدَغُ الْمُؤْمِنُ مِنْ حُجْرٍ وَاحِدٍ مَرَّتَيْنِ

دگر از وی مدار چشم وفا
هر که شد با تو در جفا گستاخ
زانکه هرگز دو باره مؤمن را
نگزد مار از یکی سوراخ

۱۲- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: الْعِدَّةُ دَيْنٌ

مرد را هر چه بگذرد بزبان
عیب باشد و رای آن کردن
وعدہ در ذمہ کرم قرض است
فرض باشد ادای آن کردن

۱۳- الْمَجَالِسُ بِالْأَمَانَةِ صَدَقَ رَسُولُ اللَّهِ

ای شده محرم مجالس راز
راز هر مجلسی امانت تست
مکن افشای راز مجلس کس
زانکه افشای آن خیانت تست

۱۴- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: الْمُسْتَشَارُ مُؤْتَمَنٌ، صَدَقَ

هر که در مشورت امین تو شد
چون نهان دارد آنچه مصلحت است
گرچه باشد امان روی زمین
خائنش خوان بحکم دین نه امین

۱۵- السَّمَاخُ رَبَاحٌ، صَدَقَ رَسُولُ اللَّهِ

سود اگر بایدت ز مایه خویش
دست بخشش گشا و بخشایش

۱۱- فی الشہاب عن ابن عمر. ُلدَغُ من اللدغ و هو لسع العقرب (من المنجد)

۱۲- فی الشہاب عن علی (ع). العدة: الوعد (المنجد)

۱۳- فی الشہاب عن جابر بن عبد اللہ

۱۴- فی الشہاب عن ابی ہریرة

۱۵- فی الشہاب عن عبد اللہ بن عمر. السماخ: بكسر الهمزة وفتحها مصدر بمعنى السماحة ای الجود (من المنجد)

سودت اکنون ستایش و فردا درجوار خدای آسایش

۱۶- أَلَدِّينُ شَيْنُ الدِّينِ، صَدَقَ رَسُولُ اللَّهِ

نکشد بهر مال دنیوی رنج هر که خواهد کمال بهره دین
جهره دین مکن بناخن دین تانکاهد جمال چهره دین

۱۷- الْقَنَاعَةُ مَالٌ لَا يَنْفَدُ، صَدَقَ

صاحب حرص را زخوان کرم بقناعت گرای کان مالیست
فیض احسان نمیرسد هرگز که پایان نمیرسد هرگز

۱۸- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: الصَّبْحَةُ تَمْنَعُ الرِّزْقَ

ای کمر بسته کسب روزی را صبح خیزی دلیل فیروزیست
بهر خواب صباح چشم میند زانکه آن خواب مانع روزیست

۱۹- كَفَى بِالْمَرْءِ إِثْمًا أَنْ يُحَدِّثَ بِكُلِّ مَا سَمِعَ، صَدَقَ

مرد را بس همین گنه که قدم از مقرر امان نهد بیرون هر چه آید درون ز روزن گوش
از ممر زبان دهد بیرون از مقرر امان نهد بیرون

۱۶- فی الشهاب عن معاذ بن جبل بلفظ: الدِّينُ، شَيْنُ الدِّينِ.

۱۷- فی الشهاب عن انس

۱۸- فی الشهاب عن عثمان بن عفان، ورواه عبدالله احمد فی زوائده، وابونعیم عن عثمان (كشفت الخفاء).

والصبحة، بفتح الصاد: نوم الغداة (المنجد)

۱۹- فی الشهاب عن حفص بن عامر

۲۰۔ قال رسول اللہ: السَّعِيدُ مَنْ وُعِظَ بِغَيْرِهِ

نیکبخت آنکسی کہ می نبرد
سختی روزگار نادیدہ
رشک بر نیک بختی دگران
پند گیرد ز سختی دگران

۲۱۔ آفَةُ السَّمَاكِ الْمَنْ، صَدَقَ رَسُولُ اللَّهِ

کی بہ نعمت کسی شود دل گرم
غیر باد خزانِ منت نیست
چون ز منت کنندم سردی
آفت روضہ جوانمردی

۲۲۔ قال رسول اللہ: كَفَى بِالْمَوْتِ وَاِعْظَاءً

چند گیری بمجلس واعظ
وعظ تو بس بمرگ همسایہ
پای منبری گرفتنِ پند
نعرہ نوحہ گرببانک بلند

۲۳۔ خَيْرُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ

ای کہ پرسی کہ بہترین کس کیست
بہترین کس، کسی بود کہ بخلق
گویم از قول بہترین کسان
بیش باشد ز خلق نفع رسان

۲۴۔ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ السَّهْلَ الطَّلِقَ، صَدَقَ

تا خدا دوست گیردت با خلق
یکدل و یکزبان و یکرو باش

۲۰۔ فی الشہاب عن عائشہ

۲۱۔ فی الشہاب عن علی

۲۲۔ فی الشہاب عن عمار بن یاسر. بزیادۃ: وکفی بالیقین غنی، وکفی بالعبادۃ شغلاً.

۲۳۔ فی الشہاب عن جابر بن عبد اللہ

۲۴۔ فی الشہاب عن ابی ہریرۃ. رجل طَلَّقَ الْيَدَيْنِ: سخی. ورجل طَلَّقَ الْوَجْهَ: ضاحکہ (المنجد)

شاد طبع و شگفتہ خاطر زی نرم خوی و گشادہ ابرو باش

۲۵۔ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَهَادُّوا تَحَابُّوا

دوستی مغزو پوست دشمنی است تا کی از مغز سوی پوست شوید
بهدایا کنید داد و ستد تا بهم زان وسیلہ دوست شوید

۲۶۔ أُظْلَبُوا الْخَيْرَ عِنْدَ حِسَانِ الْوُجُوهِ

بردر خوب روی منزل گیر چون پی حاجتی برون آئی
تا از آن پیشتر کہ حاجت تو دهد، از دیدنش بیاسائی

۲۷۔ زُرْغَبًا تَزْدَدُ حُبًّا، صَدَقَ رَسُولُ اللَّهِ

دیدن دوست دوست را گہ گہ چہرہ دوستی بیاراید
زاتفاق دوام صحبت شان شوق کاهد، ملالت افزاید

۲۸۔ طُوبَى لِمَنْ شَغَلَهُ عَيْبُهُ عَنِ غُيُوبِ النَّاسِ

ای خوش انکو بعیب بینی خویش پیشوای هنروران گردد
عیب او پیش دیدہ دل او پردہ عیب دیگران گردد

۲۵۔ فی الشہاب عن عبد اللہ بن عمرو بن العاص . تهادوا، امر من تهادی تهادیا القوم: اهدی بعضهم الى بعض.

۲۶۔ فی الشہاب عن عبد اللہ بن عمر

۲۷۔ فی الشہاب عن ابی ہریرۃ. غَبَّ غَبًّا وَغَبًّا: جاء زائرا بعد ایام. وغَبَّ عنه اتاه یوماً وترکہ آخر (المنجد)

۲۸۔ فی الشہاب عن انس بن مالک

۲۹۔ اَلْغِنَى: اَلْيَاسُ مِمَّا فِي اَيْدِي النَّاسِ

گر دلت را توانگری باید
باز کش دستِ همت از چیزی
که توانگر دلی نکوهنریست
که بدست تصرف دگریست

۳۰۔ مِنْ حُسْنِ اِسْلَامِ الْمَرْءِ تَرْكُهُ مَا لَا يَعْْنِيهِ

تا شود درجهانِ علم و عمل
زانچه درخور نیفتد باز ایست
شاهد دین تو جمال افزای
زانچه لایق نباشد بازای

۳۱۔ اَلْجَنَّةُ تَحْتَ اَقْدَامِ الْاُمَّهَاتِ

سر ز مادر مکش که تاج شرف
خاک شوزیر پای او که بهشت
گردی از راه مادران باشد
در قدمگاه مادران باشد

۳۲۔ اَلْبَلَاءُ مُوَكَّلٌ بِالْمَنْطِقِ، صَدَقَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

هر که شد مبتلا به پرگویی
هر بلائی که میرسد بکسان
به بلائی عجب گرفتار است
بیشتر از ممر گرفتار است

۳۳۔ اَلنَّظْرُ سَهْمٌ مَسْمُومٌ مِنْ سَهَامِ اِبْلِيسَ، صَدَقَ

دیدن زلف و خالِ نامحرم
دانه کید و دامِ تلبیس است

۲۹۔ فی الشهاب عن عبدالله عمر

۳۰۔ فی الشهاب عن ابی هريرة

۳۱۔ فی الشهاب عن انس

۳۲۔ فی الشهاب عن علی (ع) وحذيفة بن يمان

۳۳۔ فی الشهاب عن حذيفة

هر نظرنا و کیست زهرآلود که زشت و کمانِ ابلیس است

۳۴- لَيْسَ الشَّدِيدُ بِالصَّرْعَةِ، إِنَّمَا الشَّدِيدُ الَّذِي يَمْلِكُ نَفْسَهُ
عِنْدَ الْغَضَبِ

پهلوان نیست آنکه در کشتی پهلوانی دگر بیندازد
پهلوان آن بود که گاه غضب نفسِ اماره را زبون سازد

۳۵- لَيْسَ الْغِنَى عَنْ كَثْرَةِ الْعَرَضِ، إِنَّمَا الْغِنَى عَنِ النَّفْسِ
نه توانگر کسی بود که بمال کار پرداز و چاره ساز بود
آن بود کز شهود فضل خدای از زرومال بی نیاز بود

۳۶- وَمِنْ كَلَامِهِ صَلَوَاتُ الرَّحْمَنِ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْحَزْمُ سُوءُ الظَّنِّ
حزم مرد آن بود که درهمه وقت درحق خلق بد گمان باشد
درهمه کار احتیاط کند تا ز هرکید در امان باشد

۳۷- وَمِنْ كَلَامِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْعِلْمُ لَا يَحِلُّ مَنَعُهُ
ای گرانمایه مرد دانش ور که ترا علم دین بود معلوم
مستعد را از آن مشومانع مستحق را از آن مکن محروم

۳۴- فی الشهاب عن ابی هريرة. والصَّرْعَةُ: المرة من الصرع. يقال صَرَعَهُ: طرحه على الارض (المنجد)

۳۵- رواه النجاری والمسلم عن ابی هريرة (كشف الخفاء). العَرَضُ وجمعه العُرُضُ: المتاع وكل شیء سوى الدراهم والدنانیر. والعَرَضُ وجمعه، الأعراض: اسم لما لا دوام له. المتاع. حطام الدنيا. (المنجد)

۳۶- فی الشهاب عن عبدالرحمن بن عائد

۳۷- فی الشهاب عن انس

۳۸- وَمِنْ كَلَامِهِ: الْكَلِمَةُ الطَّيْبَةُ صَدَقَةٌ، صَدَقَ رَسُولُ اللَّهِ

سخن نرم گوی با سایل
زانکه در روی اهل حاجت هست
گر ز مالش نمی دهی نفقه
قول خوش از مقوله صدقه

۳۹- وَمِنْ كَلَامِهِ: كَثْرَةُ الضَّحِكِ تُمِيتُ الْقَلْبَ

خرم آنکس که بهر زنده دلی
خنده کم کن که خنده بسیار
زیر لب خنده را بمیراند
صد دل زنده را بمیراند

۴۰- لَا يَشْبَعُ الْمُؤْمِنُ دُونَ جَارِهِ، صَدَقَ رَسُولُ اللَّهِ

هر که در کشور مسلمانی
کی پسندد که خود بخسبده
باشد از نقد دین گرانمایه
بنشیند گرسنه همسایه

اربعینهای سالکان جامی
نیست از فضل حق عجیب و غریب
هست بهر وصول صدر قبول
که بدین اربعین رسی بوصول

۳۸- فی الشهاب عن ابی هريرة

۳۹- فی الشهاب عن ابی هريرة

۴۰- فی الشهاب عن عمر

اربعین جامی

نور الدین عبدالرحمن

کاتب

سلطانی مشہد

صحیح ترین حدیثی کہ راویان بخا پس میں محمدان ہمارے پس
یقین املا کنند حمد و انامیت کہ کلمات تارہ جامع زبان
مبخر نیاں سپ خود کذرا نیدہ و انزاتایے کلام کامل و خطا
شامل خود کردانیدہ و نقل روایہ بعد تقدیر کوشش محرومان زیجاہت
صحت رسانیدہ و بنور علم و عمل موجب علم از ظلمات ضلالتشان
رسانیدہ جیلانہ عیدہ سے آلہ و اصحاب نقلہ علم محفوظ اور ہم
این جمل کلمات کہ پہلوت فہم را بنظم فارسی ترجمہ
کردہ سے آید امید واری کہ ناظم تبرجم ام و زور شرط
مخفی سے ایتمے ارمین چہ شیا یقین و احسن ذوق و اسعاد
جسرا بے شہ اسدیوم انیس ہفتما عالماء اسل و من اسل

یکون الکوون العصمت والعون

لا یومن احدکم حتی یتحیب لاجزیه ما یحیب لنفسه

کسی کو تو محبت کرے جس سے وہ تیرے لیے	کسی کو تو محبت کرے جس سے وہ تیرے لیے
تیرے لیے محبت کرے	تیرے لیے محبت کرے

من اعطی الله منعه الله وحب الله وبقض الله هذا اقبل ایما

جو کچھ اللہ نے تم کو عطا کیا ہے	جو کچھ اللہ نے تم کو عطا کیا ہے
و اللہ نے تم کو منع کیا ہے	و اللہ نے تم کو منع کیا ہے

المسلم من سلم المسلمون من لسانه ویده

مسلم کسی ہے جو دوسروں کو بھلائی سے بچائے اور ہاتھ سے

کہ ہر جا بود پیمانے باشد از قول و فعل و پیام

خصلتان لاکھتیمان نے مومن النخل و سوچ خلق

بذل کن مال خودی کی کو در
را بیان کر بھی پو پو ہے
زبان نہ کہ ہونے ہونے
نہیہ و محفل بہ ہونے

بیشب این دم و شب فیہ خصلتان بحر ص و طول الل

از زمان بنی ہر کسی
نہیہ پڑنے کی ہونے
یک دردی ہونے ہونے
مصنوع جمع مال طول الل

من لم یشکر الناس لم یشکر اللہ

تو نعمت زدہ نہ ہو کہ رسد نہ میداں شکر کو یے پای

کی شکر خدایم کن

ہر کس شکر کند خدایم

مس لایرسم النافس لایرجمی

در جنتش بجزایر کیش	بجزایر کیش
در جنتش بجزایر کیش	در جنتش بجزایر کیش

الدنيا ملعونه ملعون ما فيها اذكر الله تعالى

بہر لذت خدایم	بہر لذت خدایم
بہر لذت خدایم	بہر لذت خدایم

لعن عند الدنيا لعن عند الدرهم

کر بیت شتاب رحمت حق شامل ذر ذر اعالم

باو از ان دور بند وینار باو از ان دور بند ورم

دم علی الطهارت یوسع علیک الرزق

فاطمت بنت اسد	ای از ان کی تو بند و روز
روزای سنگ تو کی تو بند	فاطمه بنت اسد

لا یلدغ المؤمن من حرج واحد من

در از ان کی تو بند و روز	مرگه شاد تو بند و خاک تو بند
بند و روز تو بند و خاک تو بند	در از ان کی تو بند و روز

قال رسول الله صلی الله علیه و سلم العدة یون

مرد از حرج بگذر و زمان عیب باشد و روزی کن

وعدہ در ذمہ کرم قرض پست
فرض شد اسی ان کردن

المجا پس بالامانہ صدق رسول اللہ

کجا نشانی پست از کجا نشانی ان خیرت پست	کجا نشانی پست از کجا نشانی پست
---	-----------------------------------

تقال رسول اللہ پست شار موتمن صدق

مگر در صورت این وقت کجا باشد ان روی زمین	کجا باشد ان روی زمین کجا باشد ان روی زمین
---	--

السمح رباح صدق رسول اللہ

پست و کربایت زما پست
پست بخشش کجا و بخشش

سودت کنون پتایش فرود
هر جوار حسد ای پتایش

الدین شین الدین صدق رسول الله

پتیش کنون کنانین	بگشده بر مال نیل رنج
تا کجا به حال پتیش	مکزدها به کمال بپوش

القتل مال لا یفید صدق

صابت حق از حق کم	شاید که کجایان است
بفوقین نپرسد هر کس	که با بیان نپرسد هر کس

قال رسول الله سبح تمنع الرزق

ای مگر پتیش یک روزی
مسج خیزی دلیل فرودیت

بزرگوار صبح چشم بستند
ز آنکه آنج اب منع روست

کنفی المرء ائمان حدیث بکل ما یسمع صدق

مورایسین کتقم زینت زمان بوسون	مورایسین کتقم زینت زمان بوسون
----------------------------------	----------------------------------

قال رسول اللہ صلی علیہ وسلم من وعظ بعینه

نیکوئی کی ایک سیرت تکلیف دینا بگنی دران	نیکوئی کی ایک سیرت تکلیف دینا بگنی دران
--	--

انہ الیہ صلی اللہ علیہ وسلم

کی بہت کسی شود دل کرم
جو نہنت کتہ دم سپر ہی

نیردخت آنست میت آفت رخسار جلودی

فال سول الله کیف بالموت و عطا

دختر پسر با کس پدید	بسیار جانی بچسب از غلظ
نورانی که با کس بزند	بسیار بچسب از غلظ

خیر النافس انفعم للناس

بسیار بچسب از غلظ	بسیار بچسب از غلظ
بسیار بچسب از غلظ	بسیار بچسب از غلظ

ان الله یحب السهل الطلوصدق

تا خدا دوست گیرد آنکه سبقت با حق
یکدل و یکزبان بگرد و باش

شاد طبع بکنند خاطر بس
زخم خوی دشت و بار و باش

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم تنادوا تحابوا

دوستی خودت دوستی است دوستی تو دوستی من است	بسیار از آن پسندید و دوستی بسیار از آن پسندید و دوستی
---	--

أطلبوا الحبيب عندهم فإن الوجود

در غیب روی منزل کم چون یس با حقی بر دل است	بسیار از آن پسندید و دوستی بسیار از آن پسندید و دوستی
---	--

زرغباً تزودوا حباً صدق رسول الله

دیدن دوست و دوست را که
چون دوستی پار است

زادشون و ام صحبت شان شوق کاپد مالت اقرایه

طولی ملین نغله عیب عن عیوب الناپس

پیش پیش میوه اولاد	پیش پیش میوه اولاد
پیش پیش میوه اولاد	پیش پیش میوه اولاد

الغنی الیا پس مافی ایدی الناپس

کوتاه کلاه کلاه کلاه	کوتاه کلاه کلاه کلاه
کوتاه کلاه کلاه کلاه	کوتاه کلاه کلاه کلاه

من چپس اسلام المر ترکه مالایه

تا شود در جهان علم عسل شاپه دین تو جمال فسری

نہ کم گوئی کنند بسیار
صدول زندہ رہیں

الجنت تحت اقدام الامہات

فانکے پیرزادے کی دعا ہے	کہ جو کچھ کہے گا وہ سب سچ ہوگا
-------------------------	--------------------------------

السلام موکل بالمنطق صدق رسول اللہ

مکہ کی مسجد میں	پہنچنے والے کو
-----------------	----------------

النظر پہم مہم مہم من سچام ملہ پس صدق

سید بن زلف و خال مسرم
و انیکہ و د اتم پست

ز آنچه در خور نیفتد باز است
ز آنچه لایق نباشد باز آید

ليس الشدايد البصر انما الشدايد التي يملك نفسه الغضب

پهلوان نیست آنکه در شتی
پهلوانیست آنکه در غیبت از
پهلوانان آن در کار غضب
نفسیست در از زبان پهلوان

ليس الغنسى عن كثرة العرض انما العنى النفسى

پهلوانیست آنکه در شتی
پهلوانیست آنکه در غیبت از
پهلوانان آن در کار غضب
نفسیست در از زبان پهلوان

ومن كل ما صلوات الرحمن عليه وآله الحرام سوطن

حرم مرد آن دکه در همه وقت
در حق خالق بجان باش

در همه کارها احتیاط کن تا ز سر کبیر در امان باشی

و من کلامه صلوات اللہ علیہ وآلہ العابدین

ای کار خدایه بود در این دنیا
که از علمش تو بترس
بستند از آن مشایخ
بپوشان از آن مشایخ

و من کلامه الکلمه الطیبه صدقه صدق رسول اللہ

چنین گفت با پیغمبر
که ز باطنش نمی آید
ز آنکه در وی آید
و آن نشانی از حق است

و من کلامه شتر و الضحاک تمیر القلب

خزیمه کن پس که ببردند
زیر لب خند و بر میراند

مرغزنا و کیت زمر آلود که پشت دکان آپس است

بایستج المومن دون جاره صدق رسول

بایستج المومن دون جاره صدق رسول	بایستج المومن دون جاره صدق رسول
---------------------------------	---------------------------------

است بهر وصول صد قبول	ایستهای پاکجان چاه
که بدین رهین است قبول	نت از فضل جع چ و عر

۱۲۰۶ شهر رمضان المبارک در حص کتب جا میرا که مکتوبه	۱۲۰۶ شهر رمضان المبارک در حص کتب جا میرا که مکتوبه
--	--

۱۲۰۶ شهر رمضان المبارک در حص کتب جا میرا که مکتوبه	۱۲۰۶ شهر رمضان المبارک در حص کتب جا میرا که مکتوبه
--	--

۳۵۷
در حیات

کتابخانه آستان قدس
روز مخطوطات

کتابخانه آستان قدس
روز مخطوطات

کتابخانه آستان قدس
روز مخطوطات

در کتب آستان قدس



کتابخانه آستان قدس

کتابخانه آستان قدس

کتابخانه آستان قدس
روز مخطوطات

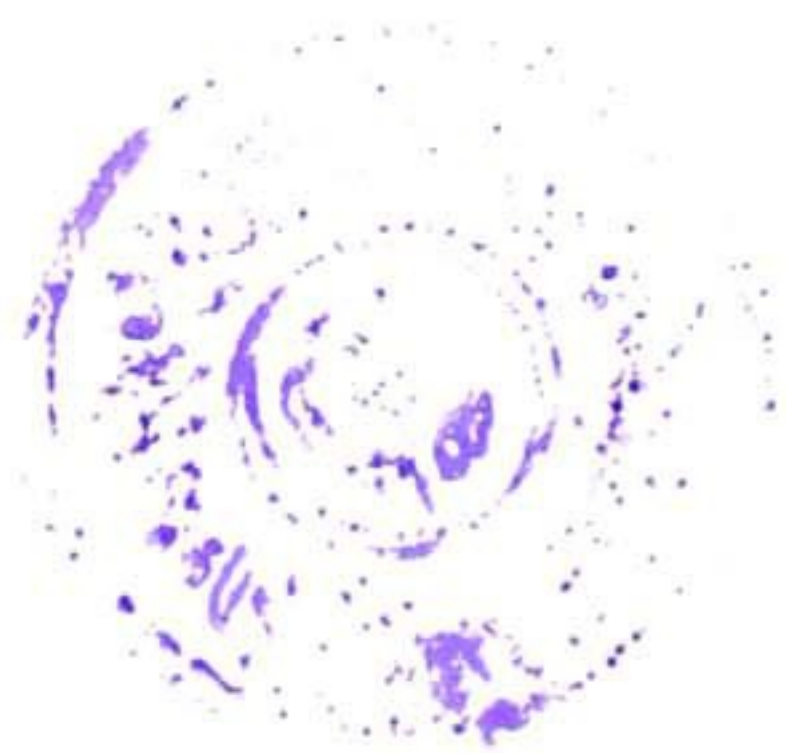


کتابخانه آستان قدس

کتابخانه آستان قدس

کتابخانه آستان قدس

کتابخانه آستان قدس





مؤسسہ چاپ و اشاعت آسان قدس رضوی



مؤسسہ چاپ و اشاعت آسان قدس رضوی